

خشونت در قرئت متحجرانه ء مذهبی ! چگونه اُفق مشرق به خون سرخ است ؟



پیوسته به گذشته قسمت یکصد و پانزدهم

در بحث قبلی به جنبه های عملی اما کمتر فلسفی به مسأله خشونت بویژه اعدام در جوامع انسانی اشاره نمودیم و آنرا یک جنایت عریان برضد کرامت انسان خواندیم اکنون می خواهیم با توجه به وجوه مشترک مذهبی دو جریان حاکم بر مقدرات و سرنوشت جوامع بشر بویژه کشورهای اسلامی (افراطی های تشیع و متحجران تسنن) که عمدتاً در دشتها و کوه پایه های از مشرق زمین به سر میبرند و کرامت انسان با فتوا های مذهبی آنها ذبح شرعی میشود در پرتو اصول روشن و بسیار واضح فلسفی ثابت کنم که این فتوا ها مجوز جنایت علیه بشریت است که با روح و فلسفه اصلی دین بویژه دین مقدس اسلام نه تنها ارتباطی ندارد بلکه اساساً یکی از عوامل ظهور انبیا و پیامبران اولوالعزمی که در مسیر تکاملی تاریخ بر بستر خلافت حضور یافته اند پاسداری از چنین وقار و کرامت انسانی بوده است که با مجوز شرعی و بصورت رسمی پامال میگردید و با دریغ و درد که تا هنوز هم داستانهای غم انگیزی از آن از گوشه ، گوشه جهان بشری شنیده میشوند .



طبیعی است که قبل از همه باید مکثی بر چگونگی تدوین قرآن کتاب خداوند که اصل زرین فلسفی کرامت انسان را با توجه به اینکه کشتار و خونریزی ، همچنان فساد در زمین بحیث غرائز انسانی از سوی فرشته گان معرفی شده است بنمائیم . اما باید خاطر نشان ساخت که برای فهم درست از این روند باید به مفهوم اصلی **توحید** به عنوان ستون فقرات فلسفه خلقت پی بُرد طبیعی است که **توحید** این رمز بزرگ آفرینش که از سینه فطرت و هستی برخاسته است به قول دانشمندان و اسلام شناسان اسلام

پنج پایه یا ستون ندارد که کنار هم چیده شده باشد، بلکه یک پایه دارد که آنرا **توحید** می نامند و دیگر تمامی اصول و مبانی دین اسلام بر **توحید** استوار اند البته باید گفت که اهمیت این اصل به دلیلی از ارزش معنوی و فلسفی برخوردار است که بر تمامی قلمرو طبیعت و همچنان ماورأ الطبیعت تقدم دارد و آنگاه که یک آغازی بی هیچ بود و تنها کلیمه بی زبانی که بخواندش **توحید** مینامیدند که آرام ، آرام و از بطن آن " زمان و مکان " ، " خیر و شر " با انفجارات بزرگی از کبرای بلند و ذلال این **" عَدَم " خدا** آفریده شدند . و **قرآن** نیز بحیث نقشه هستی بر عرش ماهیت آن قرار گرفت . یعنی زمانی که انسان به دنیا نیامده بود و با ضمائری چون مخاطب ، متکلم – مفرد – جمع و ده ها ضمیر دیگری که در مسیر تکامل هستی از سوی پروردگار بنام **" اسمأ "** به مثابه علم برای انسان آموختانده شد قرآن به حیث نقشه راه یا کتاب هستی و کائنات تدوین یافته است .

https://www.youtube.com/watch?v=X1WqlRh_-ms

البته باید تصریح نمود وقتی از کتاب سخن میگوئیم نباید همین شکل کاغذی قرآن در ذهن ما خطور کند . زیرا چنانچه گفتیم قرآن به مثابه نقشه راه و کتاب نه تنها طبیعت بلکه حوزه ماورأ طبیعی را نیز احتوا میکند . ما باور کامل داریم که چنین تحلیلی که بر مبنای فلسفه توحید استوار است پاسخ بسیاری از شبهات نه تنها معاندان و متحجران مخالف حتی پژوهشگران و روشنفکران نامور دینی و ساده اندیشان نا آگاه را ارائه خواهند کرد . زیرا با وضاحت می بینیم که برخی از این متحجران و دگم اندیشان با استناد بر زبان قرآن پاک که در بردارنده ضمائر گوناگونی اعم از مخاطب – متکلم – فاعل – مفرد متکلم – جمع متکلم – جمع مخاطب میباشد لهذا قرآن را نه وحی و کلام خدا بلکه در خوشبینانه ترین حالت رویای حضرت محمد (ص) می شمارد . به باور این قلم علت اصلی چنین قضاوت های پارادوکسیال آنهم از جایگاه علمی دانشمندان نبود نگاه مؤمنانه به اصل زرین توحید و شناخت درست از مفاهیمی چون قرآن و فرآیند **وحی** بوده میتواند . به هر صورت از این گونه برداشت ها و تحلیل ها در حوزه فلسفه و انسان شناسی را بسیار داریم و خواهیم داشت اکنون به مبحث اصلی مان رجعت میکنیم . من اکیداً باور دارم که قرئت یا گفتمان بنیادگرایانه مذهبی مانند هر اندیشهء سنگواره ای دیگری در هر دو حوزه جهان اسلام هواداران مذهب تشیع و یاهم کسانی که خود را پیروان راستین سنت و اجماع می نامند بصورت بالقوه و به حد لازم از خشونت و تاجر برخوردار اند و هر دو جریان شریعتمدار و اقتدارگرایانه مذهبی در بسیاری از مسائل مربوط به زندگی بشر در جهان معاصر مانند مسأله زن ، حقوق اقلیت ها ، مسأله برخورد با مخالفان و دیگر اندیشان ، و ده ها مسائل دیگر دارای راه حل های واحدی اند و از میتوذهای مشترکی تغذیه میگردند . جالب و شگفت انگیز است که گروهی از مسلمانانی که در زندگی روزمره شان از آثار و روشهای امام جعفر صادق (رض) و یاهم دیگر آئمه بزرگوار صدر اسلام پیروی مینمایند و **اجتهادمذهبی** را به حیث یک اصل مهم برای زندگی بشر میدانند و باور دارند اما عملاً در بسیاری از مسائل زندگی از مدلی تبعیت میکنند که ریشه ها در تاریخ قبل از اسلام دارد و از صد ها سال بدینسو بنام مذهب حق از سوی هواداران شبه سنی و سلفی مورد اجرا قرار دارند . نباید فراموش کرد که برای مدیریت جوامع صدر اسلام روشنترین و عالمانه ترین نگاه و پژوهش شاید متونی بوده که امروز بنام **اجتهاد** از سوی بزرگان و روحانیون بلند مرتبه ای متعلق با مذهب جعفری مطرح میگردد اما شاید متوجه این حقیقت تاریخی و جغرافیایوی هیچگاه نبوده اند که یکی از شرائط **اجتهاد** همانا درک شرائط زمان معاصر است که با پیشرفت و تکامل جوامع بشری و با اقتضای شرائط عمومی هر جامعه تغییر میکند ، بنا نه میتوان آنچه

را که در عصر گذشته برای مدیریت و رهبری یک ملت و قوم از سوی باشنده گان همان عصر مناسب تشخیص داده شده بود در عصر کنونی نیز مورد عمل قرار گیرد .



که بدون تردید نسبت دین و جامعه در چنین گفتمان متحجرانه از مدل پروکروستس **Prokrustes** تبعیت میکند ، پروکروستس یک راهزن افسانوی یونان بود که در کوه ها و گردنه ها راه را بر کاروانیان می بست و تمامی اموال آنان را به غارت میبرد اما تنها به این کار اکتفا نه میکرد بلکه تخت آهنینی که داشت دستور میداد تا افراد کاروان را که عموماً صاحبان اموال به غارت برده شده بودند یکا بر روی تخت بخوابانند ، هرکس که قد و اندازه اش از طول تخت آهنی کوتاه تر بود به فرمان وی آنقدر از پا ها و سر میکشیدند تا به اندازه ء تخت شود و اگر قد بلندی داشت فرمان میداد تا از ناحیه پا اندازه اضافی را آره کنند تا کاملاً در تخت آهنی جا گیرد ، از نظر هواداران گفتمان غیر اجتهادی اسلام تخت آهنی است که باید انسان و جامعه را در درون آن قرار داد و کم و زیاد های آنرا با برش یا کشش قالب بندی کرد



بدنیست اکنون سخنان یکی از نامدارترین روحانیون جمهوری اسلامی ایران محسن قرنتی را که به عنوان یک فرد آگاه و درس خوانده که فقه تاریخی را یکجا با درسهای از قرآن پاک بر منبر های رسمی ولایت فقیه تدریس میکند بشنویم و ببینیم .

<https://www.youtube.com/watch?v=eDe5j-F1Gqs>

البته باید گفت که درحوزه فقه تاریخی و در مقام فتوی دهی ی مذهب تشیع بلند ترین مراجع این مذهب نگاهی با خشونت بیشتری حتی توام با فحش و ناسزای سرخیابان نسبت به آنچه که آقای حجت الاسلام

محسن قرنتی فرمودند دارند ، اما در اینجا بخاطر تشابه فروانی در باره مفهوم جنگ با مخالفین بویژه کفار و مشرکین یهود و نصاری با پیروان شبه سلفی و اهل سنت و جماعتی که دارند به سخنان حاج آغا محسن قرنتی اشاره بعمل آمد اما سخنان تحریف شده و تحریک کننده ء یکی از مبلغین رسوای که بنام دین و شریعت علیه مخالفان بویژه یهود و نصاری شمشیر کشیده و هرآنچه را که در کارزار معرکه بدست می آورند مباح و حتی موجب ثواب می دانند؟!!

<https://www.youtube.com/watch?v=J3nntZSP56s>

دیدید عزیزان که این نیمچه ملا چگونه از خون و قتل انسان لذت میبرد؟ اما به گفته شاعر **عیب می جمله چو گفتی هنرش نیز بگو!** این آخذ جاهل پرده از بسیاری جنایاتی که بنام دین و به استناد به قرآن پاک انجام میدهند برداشت و دیگر تیغ تظاهر بر دموکراسی ، حقوق بشر ، تحمل پذیرش مخالفان و دیگر اندیشان را از ریاکاران و شوالیه های مذهبی برداشت .

